



چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۰۲

به عبارت دیگران

شعر عاشقانه حضرت خدیجه

برای پیامبر

در کتب روایی شعرها و عاشقانه‌های زیبایی از حضرت خدیجه(س) در ستایش همسر بزرگوارشان حضرت محمد(ص) به‌جا



مانده است که به جز مهربانی و صمیمیت نسبت به پیامبر، روایتگر علاقه و تسلط این بانوی بزرگ مسلمان بر شعر و ادب است. یکی از این شعرها که در بحارالانوار نیز نقل شده، غزلی است که درک معنا و دریافت زیبایی‌هایش برای فارسی‌زبانان نیز دشوار نیست. ما بی دانستن زبان عربی حتی می‌توانیم اینها متناسب بیت آخر (با واژه «بیت») را هم تشخیص دهیم.

این غزل را حضرت خدیجه پس از نخستین دیدار، هنگامی که پیامبر اکرم با بانو خدیجه دناغ می‌کنند و سوار بر مرکب از ایشان دور می‌شوند، سروده است:

قلب‌المحبّ الی الاحباب مجذوب
 و جسمه بیدالاسقام منهوب
 و قائل کیف طعم الحب قلت له
 الحب عذب و لکن فیه تعذیب
 افدی الذین علی خدّی لبعدهم
 دمی دمعی مسفوح و مسکوب
 ما فی الخیام و قد صارت رکابهم جمّاً
 الّا محبّ له فی القلب محبوب
 کانتا یوسف فی کل ناحیه
 والحنن فی کل بیت فیه یعقوب
 ترجمه منظوم و تا حد زیادی وفادار به متن این اشعار چنین است:

دل عاشق به دوستان پسته است
 گرچه از درد، جسم او خسته است
 گر پرسند چیست مژه عشق
 به همین نیش‌نوش پیوسته است
 جان به قربان آن که در دوریش
 چشم من اشکبار و خون‌بار است
 دل هر خیمه شد تپّی ز سوار
 بجز آن دل، ز خیمه بار است
 تا که به یوسف دیدم پنهان است
 بیت یعقوب، بیت‌الاحزان است

تارنمای مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب

ببینید با چقدر می توانید ساکتش کنید!

مستتر چیک در گزارش‌های خود آورده است: «امروز در تلگرام‌های رسیده از بوشهر خبرهای ناخوشی بود. آخوند پلادی با زائرخضر خان ملاقات کرده و به او قول داده است که از حامیانش خواهد که به او بپیوندند.

موضوع را با تاکتس در میان گذاشتم؛ پاسخ این بود که ببینید با چه پولی می‌توانید ساکتش کنید؛ حالا وقت این سر و صداها نیست».

چند توضیح:

۱- آیت‌الله‌سیدعبدالله پلادی اسطوره‌ای گمنام است که در بوشهر در برابر استعمار انگلیس مرانه ایستاد. ۲- «هر-برت جی چیک» کنسول بریتانیا در کرسنسلوگر بوشهر بود. این کتاب از جمع‌آوری گزارش‌های او به وزارت خارجه بریتانیا تهیه شده است. این یادداشت‌ها را هم او در ۱۳ مارس ۱۹۱۹ میلادی برابر با ۲۱ اسفند ۱۲۹۷ هجری‌شمسی نوشته است.

۳- زائر خضر خان اهرمی از مبارزان جنوب ایران علیه استعمارگران انگلیسی و ام‌زهران شهید رئیسعلی دلواری بوده است.

افشین پرتو
مستر چیک بعد از جنگ اول جهانی
 انتشارات صحیفه خرد – صفحه ۴۸

چرا زن‌های آنچنانی حذف شدند؟

هر سال که نمایشگاه خودرو در بروکسل برگزار می‌شود، گروهی از خانم‌ها با لباس‌هایی، یا نه؛ بهتر است بگویم بدون لباس‌هایی! از کل با وضعیتی که معلوم نیست لباس تن‌شان هست یا نیست، مقابل خودروها می‌ایستند و گاهی روی ماشین‌ها دراز می‌کشند. روشن است که مقصود ما از حضور در این نمایشگاه تماشای خودروها و تهیه گزارش از آنها بود و از اینکه خانمی روی ماشین‌ها نخوابیده استند ناراحت نبودیم، به خوشحال هم بودیم اما در عین حال کنجکاو شدیم که چه شده امسال خلم‌ها در نمایشگاه غایبند؟! بویژه که با اندک جست‌وجو در اطراف، در یافتیم خانم‌های حاضر هم به جای ولو شدن روی ماشین‌ها به شکل ناشیانه، بالاپوشی به تن کرده‌اند و خیلی مودب گوشه‌ای ننشسته‌اند!

پرس‌وجو ما را به این نتیجه رساند که امسال یکی از نمایندگان خلم در مجلس بلژیک، اعتراض کرده است که استفاده ابزاری از زنان نیمه‌برهنه برای تبلیغ خودرو با شئونات آسان و زن، منافات دارد. همین حرکت اعتراضی موجب شده بود بساط لهو و لعب چشم‌چران‌ها کساد شود.

اعتراض این نماینده در بلژیک، نتیجه‌ای چنین داشت و خانم‌ها را از نمایشگاه جمع کردند اما اگر چنین اعتراضی در آلمان یا فرانسه اتفاق می‌افتاد، مطلقاً چنین تأثیری نداشت فقط در کشورهایی مانند بلژیک است که هنوز ایده‌هایی از این دست، هواخواه دارد و موج توفنده مدرنیته تمام بنیان‌های سنتی‌شان را از جان نکنده است.

محمد دلاوری
۹۶۶ روز در پس‌کوچه‌های اروپا
 انتشارات قدیانی – صفحات ۵۸ و ۵۹

پیامبر اعظم(ص):

امتم همواره در خیر و خوبی‌اند تا وقتی که یکدیگر را دوست بدارند. نماز برپا دارند، زکات بدهند و میهمان را گرمای بدارند؛ پس اگر چنین نکند به فحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۹۲ نمابر: ۶۶۴۱۲۷۹۲
 پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌چم برتر پرتا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



ورودی‌های دهه ۹۰ سینمای ایران به شبکه نمایش خانگی

کارگردانی با آزمون و خطا



مقایسه کیفیت کار کارگردان‌های صاحب‌نام در ۲ عرصه سینما و تلویزیون، یکی از مباحث رایج و قدیمی در حوزه نقدی بوده و اگر قرار باشد عطف به همین موضوع مطالعه جامعی درباره فیلمسازان ایرانی صورت بگیرد، احتمالاً حجم آن از چند کتاب قطور هم فراتر خواهد رفت. حتی اگر دایره را محدودتر بگیریم و فیلمسازان جوان، مثلاً ورودی‌های دهه ۹۰ به بعد را مد نظر قرار دهیم، باز هم به حجم بالایی از محتوا خواهیم رسید. اما آنچه در ادامه می‌خوانید، قرار است محدوده بررسی را از این هم جزئی‌تر بگیرد و در دایره پدیده ویژه‌ای به بررسی موضوع بپردازد که با مناسبات اقتصادی صنعت فیلم و سریال ایران طی سال‌های اخیر بی‌ارتباط نیست. دهه ۹۰، دهه مناسبات

پر حرف و حدیث و حاشیه‌دار اقتصادی در سینمای ایران بود و پول‌های هنگفتی وارد این عرصه شد که درباره منشأ آنها پرسش‌های فراوانی مطرح شد. به‌طور طبیعی این وضعیت در بخشی از سینما که مدعی خصوصی بودن سینما بیشتر می‌تواند رخ دهد و در سریال‌سازی هم شبکه نمایش خانگی مبتلاتر به این موضوع است تا تلویزیون. در همان دهه ۹۰ تعدادی از کارگردان‌های جدید وارد سینمای ایران شدند که کیفیت کارشان با منابع ناتمام مالی‌شان نسبت داشت. به عبارت ساده و سراسرت، پول هنرنگ و امکانات بی‌حد برای آزمون و خطا، به تعدادی از فیلمسازان جوان ایرانی این موقعیت را بخشید که بتوانند کارگردان‌های بهتری نسبت به بقیه رقبا به نظر برسند. طبیعتاً این طیف از فیلمسازان وقتی قرار شد پس از سینما، در کار سریال‌سازی هم طبع آزمایی کنند، باید به جای تلویزیون به شبکه نمایش خانگی می‌رفتند تا همان شرایط اقتصادی و آن امکانات کم‌ظنیر در اختیارشان قرار بگیرد. پس چنین فیلمسازانی را باید در یک بسته‌بندی جداگانه و سواى باقی فیلمسازان قرار داد و آنگاه به مقایسه کیفیت آثارشان در ۲ مديوم سینما و سریال‌سازی پرداخت. آنچه‌ی می‌توانید تالاشی است در جهت شکل دادن به این طبقه‌بندی خاص و در دل آن، مقایسه کیفیت کار این نسل از کارگردانان ورودی دهه ۹۰، در ۲ عرصه سینما و صنعت سریال‌سازی.

■ هومن سیدی

هومن سیدی بعد از ساخت ۶ فیلم کوتاه و حضور خود به عنوان بازیگر در کارهای مختلف سینمایی و تلویزیونی همچون پابرهنه در بهشت، چهارشنبه سوری و سریال در چشم باد در نخستین فیلم بلندش یعنی آفریقا به عنوان نویسنده و کارگردان ظاهر شد. این اثر که تا حدی از فیلم سینمایی La Haine (نفرت) تأثیر گرفته بود موفق به اکران

نشد و در نمایش خانگی به پخش رسید.

او در کنار حضور خود به عنوان بازیگر، در پروژه کارگردانیی چون سب‌روس مقدم، مصطفی کیایی، بهرام توکلی و منوچهر هادی فعالیت خود را در عرصه کارگردانی نیز ادامه داد. بعد از ساخت فیلم‌های آفریقا، ۱۲، اعتراضات ذهن خطرناک م، فیلم سینمایی خشم و هیاهو بود که نام او را به عنوان یک کارگردان صاحب سبک بر سر زبان‌ها انداخت و به این ترتیب با فیلم مغزهای کوچک زنگ‌زده جایگاه وی به شمال یک کارگردان برجسته و قابل توجه تبدیل شد. سیدی به عنوان کارگردانی شناخته می‌شود که ناهنجاری‌های اجتماعی را با زبانی گزنده به مخاطب بازگو می‌کند. بیان این ناهنجاری‌ها در کنار فضای درام، عموماً «مغزهای کوچک زنگ‌زده» نوآوری‌هایی شکل می‌گیرد و ما زائر گنگ‌ستری مواجه هستیم. البته در کنار این میزان از توجه‌ها عده‌ای از منتقدان هستند که به گمان‌شان در تولیدات هومن سیدی کپی‌کاری‌هایی از فیلم‌های مطرح سینمای جهان به چشم می‌خورد. برای مثال همان‌طور که قبل‌تر هم ذکر شد در فیلم آفریقا و در قسمت اول سریال قورباغه که عنوانش همان به خورشید است، تأثیرات پررنگی از فیلم نفرت به چشم می‌خورد. فیلم‌های سینمایی ۱۳ و اهمیتی از فیلم‌های Benny’s Video (ویدئوی بنی) و Memento (یادگاری) گرفتند اما اثری که تقلیدش بیش از همه خبرساز شد، به‌طوری که هومن سیدی در نشست خبری این اثر با یکی از خبرنگاران بر سر موضوع تقلید مجادله‌هایی کرد، «مغزهای کوچک زنگ‌زده» بود. این فیلم سینمایی که در گیشه و نزد داروان جشنواره فیلم فجر موفق ظاهر شد، در مبحث کارگردانی و فضاسازی شباهت‌هایی با فیلم شهر خدا (Cidade de Deus) داشت.

در هر حال این موفقیت‌ها سبب شد هومن سیدی در عرصه نمایش خانگی با سریال قورباغه طبع آزمایی کند. این سریال که روایتی جنایی و درام داشت، با تمایزهای علمی – تخیلی نظر بسیاری از بینندگان و صاحب‌نظران را به سوی خود جلب کرد. البته در کنار آنها عده کمی معتقد بودند این سریال به دلیل موضوع نسبتاً تخیلی‌اش لقمه‌ای بزرگ برای سریال‌سازی ایران محسوب می‌شود و در نهایت اثر خوبی هم از آب درنیامده است. مابقی بینندگان این پروژه را به دلیل موضوع و فضای جدیدش تحسین می‌کردند. در کنار همه این نقد و تحسین‌ها، پایان‌بندی عجیب و نسبتاً باز سریال قورباغه با ایراداتی از سوی منتقدان و مخاطبان همراه است. بعد از تجربه موفق سریال قورباغه، سیدی دوباره سراغ ساخت فیلمی اجتماعی به نام جنگ جهانی سوم رفت. این فیلم که در جشنواره ونیز هم حضور داشت، گویی دغدغه قشر

این موضوع سبب شد مخاطبان این سریال را فاقد نوآوری و کشش‌های جذاب روایی ببینند. ادامه یافتن این سریال به‌دلیل تجربه موفق فصل اول بود اما با کش و قوس‌های بی‌فرجام و تهی از جذابیت، فصل‌های بعدی با ضعف در داستان‌گویی مواجه شد.

مهدویان ابتدا با حفظ سبک و موقعیت خود در پی ساخت آثاری با مضامین واقعی و دلپه‌رآور بود اما بتدریج، فضای تجاری سینما و نمایش خانگی او را به سمت ساخت کارهایی سوق داد که ربطی به جهان نمایشی او ندارند و همین موضوع باعث شد وی در محتوا و جلب نظر از مخاطبان و صاحب‌نظران ضعیف عمل کند.

■ ترگس آبیار

فیلم و سریال‌های زیادی تاکنون با محوریت شخصیت‌های زن ساخته شده‌اند. ترگس آبیار به عنوان یک فیلمساز زن در این موضوع، لاقال در ایران جزو پیشگامان است. روایت او حول موضوع زنان در ژانرهای جنگی و دفاع‌مقدس، کودک و نوجوان، اجتماعی و دلپه‌رآور به نمایش درآمد. تمرکز او در پرداخت به زنان تا جایی است که ۲ سریال ساخته شده توسط او یعنی سووشون و برادر عبدالملک ریگی از آثار ادبی نویسندگان زن محسوب می‌شوند.

دیدگاهی که در پس زن‌محوری ترگس آبیار قرار دارد، همچون دیدگاه سعید روستایی بشدت شامیلی مردستیزانه به خود دارد. داخل جهان فیلم‌های سعید روستایی مردان معتانند، به‌خاطر شرایط بد مالی راضی به ازدواج خواهرشان بدون رضایت قلبی می‌شوند، از ترس مأموران مواد را در بدن همسرشان قاچ می‌کنند، روایای بزرگ فامیل بودن باعث می‌شود هیچ کمکی به زندان‌شان نکنند و از همه بدتر ثبات نفس ندارند و در روز خواستگاری، از خواهر شخص مورد نظرشان خوش‌شان می‌آید. در سینمای ترگس آبیار هم سواى یک مرد خوب که آن هم شهید شده است، مردان به‌شما نزدیک‌ترند، «شیار ۱۴۳» و «فَس» ترگس آبیار با «شبی که ماه کامل شد»، چه در نگاه داروان و چه در گیشه درخشید. این فیلم که اقتباسی مستقیم از روایت پرپیچ و خم فائزه منصوری و عبدالحمید ریگی، برادر عبدالملک ریگی از اعضای گروه شبه‌نظامی جندال، است، حول محور شخصیت فائزه منصوری می‌چرخد. خاتم آبیار در فیلم‌های سینمایی شیار ۱۴۳ و فَس، ساخت آثاری با فضای جنگی را تجربه کرده بود اما در اینجا ما با حال هوایی اکشن و دلپه‌رآور روبه‌رو هستیم که برای این کارگردان تجربه و چالشی جدید محسوب می‌شود. پایان‌بندی این فیلم با انتقاداتی همراه بود. طبق نظر عده‌ای، گویی کارگردان در آخر فیلم قصد بر بیان بیم و ناامیدی نسبت به امنیت کشور در مقابل تروریست‌ها و متجاوزان را دارد.

بعد از تجربه موفق ششی که ماه کامل شد، ما با فیلمی مطلقاً فمینیستی به نام ابلق که تقریباً هم‌زمان با جنبش Me too اوپری رفته مواجه بودیم، دکوپاز اثر کار همچون کارهای مهدویان با دوربین رو دست و zoom out (زوم به بیرون) in zoom (زوم به داخل)‌های سرسام‌آور و اغراق شده همراه بود. این موضوع باعث سردرگمی مخاطب در بخش‌هایی از فیلم، همچون سکاس تعقیب و گریز می‌شد. سواى بحث فیلمبرداری، در این فیلم روایتی تمام و کمال با یک شخصیت پردازی درست وجود نداشت. تنها هدفی که فیلمساز در این اثر دنبال می‌کرد به تصویر کشیدن مصائب زندگی زنان در ساختاری مردسالار، بویژه داخل قشر فرودست و فضای حومه‌نشینی بود.

اکتون ترگس آبیار با سریال برحاشیه و سابقاً توقیفی سووشون که اقتباسی از رمای با همین نام، نوشته سیمین دانشور است به نمایش خانگی آمده. در کنار این اثر او سریال بامداد خمار را هم آماده پخش دارد.

ماجرای سووشون در دوره جنگ دوم جهانی به وقوع می‌پیوندد و داستانش چون اثر قبلی آبیار از طرف یک زن پیش می‌رود. کیفیت اقتباس در این سریال با واکنش‌های مختلفی همراه بوده، گروهی سریال را به دلیل عدم تعهد در بعضی بخش‌ها نسبت به نسخه ادبی مورد نقد قرار می‌دهند و طبق عقیده گروهی دیگر، کارگردان در ترجمه متن به تصویر بستن موفق ظاهر شده است. در هر حال این اثر مانند فیلم‌های قبلی این کارگردان با محوریت زن است و در بخش فنی نیز همچنان کار با دوربینی احساس‌زده و تکان‌های آلامیز به چشم می‌خورد.

نگاه تمیضی‌آمیز و مغرضانه ترگس آبیار نسبت به زنان و مردان باعث لطمه خوردن به عنصر درام در آثارش شده که این موضوع باعث ضعف شدید بافت روایی در فیلم‌هایش می‌شود. از سوی دیگر دوربینی که سعی در روایت مستند دارد در کارهایی اسباب گیج شدن مخاطب را فراهم می‌کند و از حیث بصری نیز بیشتر کارهای این فیلمساز با مشکلاتی سر و کار دارد.

■ محمد کارت

محمدکارت مانند محمدحسین مهدویان فعالیت فیلمسازی خود را با ساخت و تهیه‌کنندگی چندین مستند و فیلم کوتاه که همگی جزو آثار تحسین شده این فیلمساز هستند آغاز کرد. جهان فرم و محتوایی محمد کارت چیزی بین آثار مهدویان و روستایی است. این کارگردان از بدو کارنامهای سراغ مضامین و ناهنجاری‌های اجتماعی بویژه در دل طبقه اجتماعی فرودست و مناطق جنوب شهر رفت. در ابتدا موضوع آثار کارت حول مسائلی چون فقر، اعتیاد،

ارادل و اوباش، قمار و بچه‌بازی بود. نگاه عمیق و مستند این کارگردان و شناخت وی از این طبقات اجتماعی باعث شد او در بیان و ساخت این مسائل موفق باشد.

«شنای پروانه» نخستین تجربه محمد کارت در زمینه ساخت فیلم بلند داستانی بود. این اثر نیز همچون کارهای قبلی او حول محور ناهنجاری‌های اجتماعی در دل طبقات پایین جامعه و ارادل و اوباش می‌چرخید. فیلمساز در این فیلم به دنبال مساله قتل‌های ناموسی در فضایی دلپه‌رآور و معمای رفته بود. دکوپاز و فیلمبرداری شنای پروانه به‌شکل دوربین روی دست و فلو و فوکوس‌هایی که قصد واقع‌نمایی شرایط را دارند است. این موضوع چون نمونه مهدویان تحت تأثیر کارهای مستند این کارگردان بوده است. در بحث روایت اما شانی پروانه برگ برنده‌ای دارد و موفق می‌شود مخاطب را تا آخر کنجکاو نگه دارد و با ضربهای پیش‌بینی نشده او را غافلگیر کند. از نکات حائز اهمیت این فیلم، پایان‌بندی آن است که اثر به‌طور کامل تکلیف خود را با مخاطب روشن می‌کند. شنای پروانه مثل فیلم‌های مستند و کوتاه این کارگردان، هم در آرای داروان جشنواره‌های داخلی و خارجی و هم در نگاه منتقدان برجسته و پیروزمندانه ظاهر شد.

محمد کارت بعد از این تجربه‌های موفقیت‌آمیز در زمینه‌های مستند، فیلم کوتاه و فیلم سینمایی بلند، با سریال یاغی به پلتفرم‌های نمایش خانگی آمد. این سریال نیز همچون کارهای سابق کارت در فضای حومه و جنوب شهری می‌چرخد و در ژانر درام، ورزشی و دلپه‌رآور است. یاغی در ابتدا بشدت ماجراجویی درگیرکننده و جذابی داشت، صحنه‌های اکشن و پر زد و خورد این سریال نیز بخوبی کارگردانی شده بود اما بتدریج روایت آن از طبیعت و بافت سلباتی جدیدی و نتوانست در کنار این همه جذابیت‌ها ادامه پیدا کند. در شروع سریال ما با جاوید همراه می‌شویم که از حومه‌های شهر و مناطق فقیرنشین است و سودای موفقیت در کشتی را دارد اما بتدریج پلات‌ها و خطوط داستانی جدیدی به سریال اضافه می‌شود که به کلی خط و پیرنگ اصلی داستان را به‌هقرا می‌برد. برای مثال ما در آغاز با یک شخصیت شبه‌انثاگونیست و لومن به نام اسی قلق روبه‌رو هستیم اما این کاراکتر انسجام رستی ندارد و در آخر سریال با یک کاریکاتور از این فرد مواجه می‌شویم. محمد کارت همیشه سعی در بیان و ابراز مشکلات و معضلات اجتماعی دارد. شناخت او از طبقات اجتماعی پرمعضل‌تر، باعث گشتی در به تصویر کشدن این مشکلات شده. او اثر سینمایی‌اش، شنای پروانه این معضلات را در فضایی داستانی‌تر و با جنسی دلپه‌رآور به نمایش رساند که در روایت و کارگردانی هم تا حدودی موفق بود اما می‌توان گفت سریال یاغی به دلیل عدم تمرکز درست حول محور یک موضوع معین، باعث ا‌هم‌گسیختگی محتوایی شد و مخاطب نمی‌تواند در کی درست از جهان نمایشی روبه‌رویش داشته باشد.

■ نیما جاویدی

نیما جاویدی با فیلم سینمایی ملیبورن در جشنواره‌های داخلی و خارجی درخشید. این فیلم در روند مطرح شدن وی به عنوان یک فیلمساز جدی حضوری موثر داشت. در ادامه فیلم سینمایی سرخپوست بود که او را در اذهان مخاطبان و منتقدان برجسته ساخت.

روایت فیلم سینمایی سرخپوست پر از تعلیق و کشش است. کارفاکتی فیلم برای مخاطب مهم جلوه می‌کند، چرا که این گره افکنی برای شخصیت اصلی فیلم مهم است و این اهمیت بخوبی درک می‌شود. هر گاه که مخاطب بداند در پس گره اثری چه عواقبی و سودی وجود دارد و این را بتواند با دنیای اثر و شخصیت‌ها یکپارچه و در یک راستا ببیند، می‌تواند جذب آن فیلم یا سریال بشود. بنابراین سرخپوست روایتی جذاب دارد و مخاطب تا انتهای آن در پی نکاو برای کشف سرخ است.

بعد از نگارش فیلم سینمایی خورشید که مجید مجیدی کارگردان آن بود، نیما جاویدی این بار در قامت یک سریال‌ساز با آکتور به نمایش خانگی باز شد اما این سریال برعکس سرخپوست فاقد کشش و جذابیت‌های داستانی بود. مخاطب در ابتدا با یک پلاد کوچک و جهانی ناقص، سرخ‌های سناریو را دنبال می‌کند و هر چه جلوتر می‌رود، انسجام درونی سریال از هم فرو می‌ریزد و معلوم نیست روند سریال به چه سمتی می‌رود. استفاده از نماهای کلاسیک و با دقت از دیگر ویژگی‌های این سریال است اما این نوع نماها هم به داد سریال نمی‌رسند و برعکس سرخپوست در پس‌شان هدفی نمی‌گذرد. بعد از این تجربه تقریباً ناموفق، او با سریال شکارگاه دوباره به نمایش خانگی آمد. این سریال از کار قبلی جاویدی چه در بحث کارگردانی و چه در بحث سناریو جلوتر بود. سریال شکارگاه همچون سرخپوست فضایی معمای و دلپه‌رآور در تاریخ قاجار دارد. این سریال ابتدا با کشش و تعلیق همراه بود و مخاطب را به ادامه دادن مجاب می‌کرد اما استفاده دوباره از پلات‌های بی‌اثر همچون مثلث عشقی، به پیرنگ اصلی سریال خنده‌وارد کرد و اندک‌اندک از جذابیت ابتدایی آن را کشت.

نیما جاویدی داستانگویی را به‌طوری که فقط بحث مالی قضیه را نبیند و به‌طور جدی به دنبال همراه کردن مخاطب با خود باشد بلد است. روایت بصری او نیز اگر درک درستی از ماجراهای داخل آثارش داشته باشد بشدت پزظرافت و دقیق است. به‌طور کلی او در طرح روایات معمای و ترجمه آن به زبان تصویر موفق است اما گاه شرایطی پیش می‌آید که آثار او فاقد جذابیت‌های داستانی، دراماتیک و بصری می‌شود.